

اجازه خانم! من هم هستم

عاطفه علیزاده*



وقتی فرزند شش ساله‌ام از مدرسه به خانه آمد، برخلاف روزهای قبل، او را شناد و خندان ندیدم. مدتی که گذشت، از او خواستم تکالیفش را انجام دهد، ولی او گفت: «دوست ندارم. اصلاً دوست ندارم به مدرسه بروم و کلاس را دوست ندارم.»

سکوت کردم، چون می‌دانستم سؤال کردن در این موقعیت، فقط باعث می‌شود او بیشتر در خود فرو رود. باید فرصت می‌دادم تا خودش صحبت کند.

مدتی گذشت. به سویش رفتم، او را در آغوش گرفتم و نوازشش کردم. دیدم شروع کرد به صحبت کردن، امروز خانم معلم من را از کلاس به بیرون انداخت. من کار بدی نکردم، ولی او من را بیرون انداخت.

ناراحت شدم. ولی به او گفتم، حتماً کار اشتباهی انجام داده‌ای که خانم معلم ناچار شده تو را از کلاس بیرون بیندازد. و او دوباره گفت، من هیچ کار بدی انجام ندادم.

روز بعد تلفنی با معلمش صحبت کردم. پرسیدم، دیروز چه اتفاقی افتاد؟ آراین خیلی ناراحت بود. او گفت: «دیروز هنگام تدریس، درباره پرتقال و فایده‌های آن صحبت می‌کردم. این که پرتقال میوه خوبی است، برای سرماخوردگی خوب و مفید است و... یکدفعه آراین با صدای بلند گفت، نه پرتقال اصلاً میوه خوبی نیست. تازه اگر پرتقال بخوریم، مریض می‌شویم. من هم به دلیل این که این کار او باعث شد بقیه دانش‌آموزان حواسشان پرت شود، او را از کلاس درس بیرون کردم.»

به فکر فرو رفتم. این دومین باری بود که خانم معلم، آراین را از کلاس بیرون می‌انداخت. با خودم گفتم، من هم معلم هستم، ولی هیچ وقت حتی دانش‌آموز دبیرستانی را که خیلی بیشتر از دانش‌آموز پیش‌دبستانی می‌فهمد، به خاطر اشتباهش از کلاس درس بیرون نینداخته‌ام.

چرا چنین شد؟ آیا فرزندم با این کار می‌خواست به او توجه شود یا واقعاً از فایده‌های پرتقال چیزی نمی‌دانست؟ ولی او که خیلی پرتقال دوست داشت و همواره می‌گفت

من پرتقال می‌خورم تا قوی بشوم. آیا بهتر نبود معلم به جای بیرون انداختن دانش‌آموز، برایش توضیح بیشتری می‌داد یا به سویش می‌رفت و با لبخندی مهرآمیز، دلیل این کار را می‌پرسید و بعد او را متوجه اشتباهش می‌کرد! به طور قطع برخورد درست معلم باعث می‌شد دیگر چنین حرکتی تکرار نشود.

برای دانش‌آموز پیش‌دبستانی، این موضوع قابل هضم نخواهد بود. او هنوز در دنیای کودکی خویش سیر می‌کند. او برای این که داناتر شود، هنوز فرصت می‌خواهد. او می‌خواهد معلم دوستش داشته باشد و با او مهربان باشد. وقتی ببیند به او توجه نمی‌شود، به طور قطع با یک پیام اطرفیانش را آگاه می‌سازد. آراین با این پیام می‌خواست به معلمش بگوید: «اجازه خانم! من هم هستم»

ای کاش معلم آراین به جای این که او را از کلاس درس بیرون کند، می‌گفت: «آراین آراین! معلوم است که حواست جمع است، چون فقط تو بودی که راجع به درس اظهار نظر کردی.»

*دبیر شیمی ناحیه ۲ شهری



نعمت‌الله ادریسی
(۱۳۱۹)

دبیر فلسفه و علوم تربیتی،
پژوهشگر، یزد

در دبیرستان‌ها و مراکز تربیت معلم یزد به مدت ۲۵ سال تدریس کرد و در همان حال به انجام پژوهش‌های متعدد و نوشتن مقالاتی در موضوعات درسی و آموزشی پرداخته است. آقای ادریسی در پنج سال مختلف، به عنوان پژوهشگر موفق استان تقدیر شده است: پژوهشگر خوب از سوی فرهنگ و ارشاد اسلامی (۷۸)؛ پژوهشگر نمونه استان (۸۰)؛ پژوهشگر برتر (۸۱)؛ پژوهشگر برتر (۸۴)؛ پژوهشگر پرتلاش (۱۳۸۶). وی در سال ۷۹ نیز از سوی پژوهشکده تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش به عنوان پژوهشگر برگزیده سال انتخاب و معرفی شد.